

چگونه نمایش نامه بخوانیم

رونالد هایمن | ترجمه: فائزه آدینه‌وند

سرشناسه: هایمن. رونالد. ۱۹۳۲ - م. Ronald Hayman
 عنوان و نام پدیدآور: چگونه نمایشنامه بخوانیم / رونالد هایمن: ترجمه فائزه آدینه‌وند.
 مشخصات نشر: تهران: اشراق دانش، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری: ۱۵۵ ص.
 شابک: 978-600-91943-2-2
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
 یادداشت: عنوان اصلی: How to read a play , ۱۹۹۹.
 موضوع: نمایشنامه -- راهنمای آموزشی
 موضوع: خواندن
 شناسه افزوده: آدینه‌وند، فائزه، ۱۳۵۷ - ، مترجم
 رده بندی کنگره: ۱۷۰۱۲۸ / ۱۳۹ چ ۹ هـ /
 رده بندی دیویی: ۷۸۰۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۴۷۵۲۹

چگونه نمایشنامه بخوانیم (How to read a Play)

رونالد هایمن (Ronald Hayman)

ترجمه: فائزه آدینه‌وند

ویراستار: معصومه رمضانی لیوانلوئی

طراح جلد: حمید نیک‌خواه

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

قیمت: ۴۵۰۰۰ ریال

چاپ اول، ۱۳۹۱ تهران

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۹۴۳-۲-۲



اشراق دانش

تلفن: ۰۲۱-۳۳۴۴۰۷۲۹

فهرست مطالب

.....	سخن مترجم	۵
.....	پیشگفتار	۹
.....	مقدمه‌ای بر چاپ جدید	۱۳
.....	۱: خوانندگی و رسانه	۱۵
.....	نمایش چیست؟	۱۵
.....	صحنه و فضای صحنه	۱۷
.....	کاربرد صدا	۱۸
.....	نمایش به مثابه مجموعه‌ای از برخوردها	۲۰
.....	دستورات مربوط به صحنه نمایش	۲۱
.....	۲: تأثیرات آوازی	۲۳
.....	کیفیت صدا	۲۳
.....	ساختمان صدا	۲۳
.....	کوبیدن بر دروازه‌ی قصر	۲۴
.....	زدن بر در اتاق خواب	۲۸
.....	۳: حرکت آنی و تعلیق	۳۱
.....	سراغ‌ها	۳۱
.....	مشاجره‌ای در خیابان	۳۳
.....	ضربانگ پیشرفت	۳۴
.....	ضربانگ‌های یک نمایش‌نامه	۳۵
.....	بحث و جدل روی نیمکتی در پارک	۳۷
.....	بالاترین توان پذیرندگی	۳۹
.....	۴: نه با واژگان تنها	۴۱
.....	سکوت پنهان در واژگان	۴۱
.....	ورد خواندن جادوگر	۴۴
.....	دگرگونی بصری	۴۷
.....	صدای قدم‌هایی که این سو و آن سو در آمد و شد اند	۴۹
.....	نابرابری بصری	۵۰
.....	۵: پوشش و هویت	۵۳
.....	تغییر شکل آنی	۵۳
.....	هویت‌های دوگانه	۵۵
.....	تغییر چهره و لباس دادن	۵۸
.....	مغشوش شدن بدون تغییر چهره و لباس	۶۰
.....	ع: هویت و شخصیت	۶۳
.....	خطای روانکاوی کردن	۶۳
.....	ارتباط بین بخش‌ها	۶۳
.....	فالستاف	۶۵
.....	علت و معلول	۶۹

۷۳	 ۷: کتابه و ابهام
۷۳	 وارونه گوئی (کتابه) در محل اجتماع عموم
۷۴	 در تالار پذیرایی قرن نوزدهم
۸۱	 ۸: نمایش ذهنی
۸۱	 بر چه چیزی تأکید کنیم
۸۳	 صحنه‌ی نمایشی ذهنی دیگرگون می‌شود
۸۷	 ۹: سکوت
۸۸	 چگونه به دنبال سکوت
۹۱	 چگونه بدون علایم راهنما پیش برویم
۹۳	 سکوت همراه با گفتار
۹۹	 سکوت و نمایش نامه‌نویسی معاصر
۱۰۰	 فشارهای برآمده از سکوت
۱۰۳	 زایل کننده‌ی سکوت
۱۰۹	 ۱۰: معنا و تجربه
۱۰۹	 آنچه نگارنده نگاشت
۱۱۰	 چه معنایی در پر دارد؟
۱۱۲	 یک آزمون پیش‌زادی
۱۱۳	 معنا و تجربه
۱۱۵	 از تجربه‌ی ابتدایی تا واکنش جمعی
۱۱۶	 قصد و نیت نگارنده
۱۱۷	 درباره‌ی ایده‌ها چه؟
۱۱۸	 عمومیت داشتن و منحصر به فرد بودن
۱۱۸	 فروشنده‌ی تعمیم یافته
۱۳۱	 در انتظار پایان
۱۳۴	 گشتار اومانیسیم لیبرال
۱۳۴	 سطوح ارتباط
۱۳۶	 بازی‌ها و باغ‌ها
۱۳۱	 ۱۱: کنش فتوژنیک
۱۳۳	 کنش انفعالی
۱۳۴	 فاصله‌های میان واژگان
۱۳۵	 فیلم‌هایی درباره‌ی بازیگران
۱۳۷	 از جایی به جایی
۱۳۹	 آنچه دوربین برای شما بر می‌گزیند
۱۴۰	 از بین بردن فاصله‌ها
۱۴۳	 رنگ‌های برآمده و آماسیده، چشمان بزرگ، و آه کشیدن‌های کوچک
۱۴۷	 ۱۲: خواندن نمایش‌نامه به عنوان نوعی لذت
۱۴۷	 موی فتدقی رنگ
۱۵۰	 خلاصه

سخن مترجم

کاش می‌شد با واژه‌های سخن آغاز کرد که از «من» به دور باشد، اما دریغ که در این لحظه و در این صفحه «باید» و «شاید»، تا با خوانندگان محترم اندکی سخن بگویم.

شاید زمانی گمان می‌کردم هر کسی باید سخن خود را بگوید؛ نه‌آنکه سخن‌اش ترجمان سخن دیگری باشد. تنها در کلاس درس ترجمه‌ی شعر بود که وقتی به عنوان تمرینی کلاسی، قطعه‌ی شعری را برگرداندم این احساس به من دست داد که خود سخن گفتم. به یقین دغدغه‌ی من تنها سخن گفتن نبود؛ که لذت پای نهادن در دنیای ادب و هنر بود که مرا بر آن داشت می‌آنکه هراسی به دل راه دهم، قدم در این عرصه نهم.

و اکنون، با وجودی که از حس کار خویش آگاه نیستم، آغاز و پایان را به هم پیوند داده‌ام که تائید محتوا و اصالت آن در این مقیاس بر عهده‌ی دیگران است.

کتاب «چگونه یک نمایش‌نامه بنویسیم» یکی از کتاب‌های کتابخانه‌ی شخصی سرکار خانم «فریندوخت زاهدی»، از اساتید محترم دانشکده هنرهای زیبا، بود. ایشان با اعتماد، این اثر را که از دید خود، کتابی پایه و مهم برای دانشجویان خود (و آنانی که به هر رو به نمایش و خواندن نمایش‌نامه علاقه دارند) می‌دانستند، برای ترجمه به من سپردند. من نیز پس از بررسی کوتاه، بی‌هیچ تردیدی و بی‌آنکه از سرانجام آن آگاه باشم، به دور از تمام حساب و کتاب‌های دنیای نشر امروز، دست به کار ترجمه‌ی آن شدم. مایه‌های ادبی و راهکارهای منطقی موجود در این کتاب و تفسیرهای تخصصی و هنری آن، و قطعاتی که نویسنده از مهم‌ترین آثار ادبی جهان، در کنار هم گرد آورده است، و نیز تحلیل‌های درخشان از آثار ادبی ممتاز جهان نمایش، به‌زودی مرا چنان با کتاب درآمیخت که شوقی وافر برای درک هر چه تمام‌تر این اثر پدید آورد تا دشواری کار و تازگی زبان نویسنده و نیز تخصصی بودن آن برایم آسان شود.

برگردان این اثر، تلاشی است در راه خدمت به آنانی که در زمینه هنر نمایش فعالیت می‌کنند. به یقین این ترجمه نیز مانند هر ترجمه دیگری خالی از کاستی نیست. از این رو پیشاپیش پذیرای انتقادهای و پیشنهادهای مخاطبان این اثر هستم؛ باشد که در آینده به کار آید. به جاست تا از بانو «زاهدی» مهربان و «شعله محمدی» عزیز که با محبت خویش افقی تازه برای من، در روزگار تیره‌ی بی‌هنری و تکرار گشودند، صمیمانه سپاسگزاری کنم. همین‌طور از آقای «محمد سروی زرگر» گرامی که از ابتدا تا انتها و بی‌دریغ مرا از تجربه

های خود بهره‌مند نمودند و از هیچ کمکی، در حین ترجمه و به هنگام ویرایش آن فروگذار نکردند، کمال تشکر را دارم. همچنین، سپاس بسیار از جناب آقای «عباس غضنفری»، دایی عزیزم که مهربانانه و پیگیر، نشر جدیدتر این اثر را برایم تهیه کرده و فرستادند. و مادرم: که بسیار روزها و لحظه‌ها به بهانه‌ی ترجمه تنه‌ایش گذاشته بودم.

www.ketab.ir

پیشگفتار

برای بسیاری از مردم، خواندن نمایش نامه با لذت فراوانی همراه است. آیا چنین لذتی با افزایش آگاهی از آنچه انجام می‌دهند، بیشتر نخواهد شد؟ متن یک نمایش نامه را می‌توان صرفاً به خاطر داستان آن [و] به طور سطحی - هم چون یک رمان خواند- یا می‌توان آن را به مثابه طرحی که برای مجموعه‌ای از تأثیرات نمایشی ریخته شده است و تنها در یک اجرای عمومی قابل حصول است، بیشتر شبیه به یک رمز (کُد) یا علامت موسیقایی رمزخوانی کرد. آیا ما بازیگران را در حالی که بر روی صحنه حرکت می‌کنند یا شخصیت‌های داستان را در حال حرکت در یک اتاق تصور می‌کنیم؟ آیا حتی این پرسش را از خود می‌پرسیم؟

اگر می‌خواهید از آنچه به هنگام خواندن یک نمایش نامه انجام می‌دهید، خودآگاهی نداشته باشید، این کتاب را مطالعه نکنید، چرا که این کتاب بر این باور نگاشته شده است که اگر شما از مشکلات فنی‌ای آگاه شوید که کارگردان یا بازیگران برای آوردن واژگان به دنیای نمایش، و به فرایند روانشناختی برگرداندن گفتگوی چاپی و دستورهای اجرایی صحنه به یک کنش ذهنی با آن روبرو هستند؛ نمایش در ذهن شما به شکل روشن‌تری جان می‌گیرد.

بازیگر تعلیم‌دیده آموخته است که چگونه به هنگام خواندن متن یک نمایش نامه، نه تنها از لحاظ احساسی و ذهنی واکنش نشان دهد، بلکه حتی ممکن است احساس کند که از لحاظ فیزیکی نیز با تقلاها و ضرباهنگ‌های بازی درگیر شده است. کارگردان در حالی یک متن نمایشی را می‌خواند که نیمی از تمرکز او بر این متمرکز است که چگونه واژگان می‌توانند به یک دنیای سه بُعدی جان ببخشند. نه آن که خواننده تصور کند هنگامی که برای خواندن نمایش نامه‌ای بر روی صندلی راحتی خود جای می‌گیرد برای آن که بیشترین دستاورد را از خواندن یک متن نمایش نامه داشته باشد، باید به مدت دو یا سه سال در یک آموزشگاه نمایش تعلیم ببیند. بلکه به باور من، او می‌تواند خود را برای شکل دادن به دریافت‌های روشن‌تری از کنش‌های نمایشی بالا ببرد. هدف این کتاب کمک به خواننده برای رسیدن به این هدف است.

چگونه باید دستورهای صحنه را بخوانیم؟ چگونه می‌توانیم تأثیر نمایشی یک اثر آوایی را تصور کنیم؟ و یا تأثیر نمایشی یک سکوت را؟ تأثیر رنگ‌ها، لباس‌ها، گروه‌بندی‌ها، موقعیت‌های مرتبط بر روی صحنه را؟ آیا شخصیت‌های داستان گه‌گاه چیزی به تمامی متفاوت از آنچه بر زبان می‌آورند، نمی‌گویند؟ درباره حرکت آنی‌ای که یک کنش می‌تواند خلق کند،

چه؟ چرا یک نمایش خنده‌دار بر روی صحنه بسیار سرگرم‌کننده‌تر است تا بر روی صفحه‌ی کتاب؟ این‌ها برخی از پرسش‌هایی است که من تلاش می‌کنم در کتابی که تا حد امکان برای کمک‌های کاربردی طراحی کرده‌ام، بدانها پاسخ دهم؛ کمک‌هایی نه تنها به دانش‌آموزان و افراد حرفه‌ای، بلکه به تمامی آنانی که واژه‌ی تئاتر برایشان تنها یادآور نام یک عمارت، که فقط به هنگام داشتن توان مالی برای تهیه بلیط بدانجا می‌روند، نیست.

www.ketab.ir

مقدمه‌ای بر چاپ جدید

خواندن یکی از کتاب‌های خویش پس از گذشت یک دوره‌ی بیست و یک ساله به مانند خواندن کتاب شخصی دیگر یا یک بیگانه است. من بیشتر آن چیزهایی را که گفته است می‌پسندم و با وجود آن که احساسی شبیه به یک فرد متجاوز یا کسی را داشتم که بدون اجازه یا به آن حریم گزرده باشد، خرسندم که این فرصت دست داد تا آن را بازبینی کرده، در آن تجدیدنظر کنم، و به آن فصلی تازه درباره‌ی چگونگی خوانش یک نمایش‌نامه رادیویی و سینمایی و تلویزیونی بیافزایم.

گمان می‌کنم هرگز نتوانسته‌ام از «جفری استراچان»^۱ به خاطر نقش مهمی که در تکوین این اثر داشته است، به قدر کافی سپاسگزاری کنم. انتشارات او به نام «میتوین»^۲، [که] نمایش‌نامه‌های بسیاری را چاپ می‌کرد، [به این مهم] که شاید دانشجویان رشته بازیگری، دانشجویان رشته نمایش، و دیگر خوانندگان متن‌های نمایشی دوست داشته باشند تا کتاب راهنمایی در این حوزه که پیش‌تر هرگز طرح نشده بود، در دست داشته باشند، پی‌برد و مرا بر آن داشت تا این کتاب را بنویسم. پس از آغاز کار با حالتی که آمیزه‌ای از بیم و نگرانی و شور و اشتیاق بود، از آن که دریافتم این کتاب تا پایان دهه ۱۹۸۰ در انگلستان پنج بار، و در آمریکا در طول این بیست سال، بارها تجدید چاپ شده است، خرسند شدم.

در حالی که هنوز بر روی کتاب کار می‌کردیم، جفری به مقام مدیر عامل انتشارات ارتقاء یافت، و «نیک هرن» به عنوان ویراستار عهده‌دار کار شد. از هر دوی ایشان و از گروه آتلانتیک که خواستند نسخه جدید کتاب را چاپ کنند، سپاسگزاری می‌کنم.